



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان صدا و سیما - 23 / فروردین / 1375

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً به برادران عزیز، خوشامد عرض می‌کنیم و امیدواریم که ان شاءالله خداوند شما را کمک کند. هم در راهنمایی به آنچه که مورد رضای اوست کمک کند - چون کار شما خیلی حساس است - و هم در اجرا؛ تا بتوانید آنچه را که می‌فهمید و می‌بینید و تصمیم می‌گیرید، واقعاً اجرا کنید. گاهی انسان مسأله‌ای را تشخیص می‌دهد و در مورد آن، درست هم تصمیم‌گیری می‌کند. منتها در مقام اجرا، به خاطر موانع و اشکالاتی که در سر راه اجرا پیش می‌آید، قدرت عمل به آن را پیدا نمی‌کند. امروز حرف عمده من با شما آقایان این است که از همه تان تشکر کنم. حقیقتاً اساس مطلب این است! چون دیدیم واقعاً خیلی از شما برادران صدا و سیما، در انتهای سال گذشته، برای مسائل گوناگون، بخصوص در حول و حوش ایام دهه فجر، روز قدس، ماه رمضان و قضیه انتخابات خیلی زحمت کشیدید. حقیقتاً هم صدا، هم سیما و هم بخشهای مختلف شبکه‌های سیما، در این قضایا متحمل زحمت شدند. البته بعضی از کارهای خیلی خوب هم در صدا و سیما انجام می‌شود که آنها هم جای تشکر دارد. قاعدتاً گزارش جناب آقای لاریجانی - آنچه که نوشته و گفتند - شامل نقاط مثبت موضوعاتی است که در ذهن ما وجود دارد و مجموع اینها، حقاً و انصافاً يك «خسته نباشید» درست و حسابی رودررو را می‌طلبید، که آن را عرض کردیم. بحمدالله فرصتی پیش آمد که حضوراً از آقایان تشکر کنیم و برایشان آرزوی توفیق داشته باشیم. بعضی از برنامه‌های صدا و سیما، انصافاً خیلی جالب، هوشمندانه و به کئی فاقد نازرنگی است. گاهی ممکن است برنامه‌های ما خیلی هم خوب باشد؛ اما آدم يك نازرنگی در گوشه‌ای از آنها ببیند و متأسف شود که چرا باید این همه زحمت کشیده شود و این همه دستها تلاش کنند تا فیلم یا سریالی تولید شود، آن وقت در جایی از کار، نازرنگی خیلی بدی به چشم آید. واقعاً هم تنها اسمی که می‌شود روی چنین گوشه‌هایی از کار گذاشت، نازرنگی است و هیچ چیز دیگر نیست. يك هشجاری لازم بوده است که نگذارند این اشکال پیش آید؛ اما توجه نشده است. بعضی از برنامه‌های صدا و سیما کاملاً متین و مستحکم، در سطح بالا و کاملاً فاقد نازرنگی است. البته بعضی از این برنامه‌ها را که می‌بینم یا می‌شنوم، بلافاصله به مسؤولین دفتر سفارش می‌کنم تا با صدا و سیما تماس بگیرند و بگویند که برنامه‌های خوبی بود و استفاده کردیم. به هر حال خود ما نیز اهل منبریم. ما هم آن وقتها که منبر می‌رفتیم، بعد از پایین آمدن از منبر و ختم سخنرانی، بدمان نمی‌آمد یکی بگوید: «آقا؛ طیب الله انفاکم!» برخی وقتها منبری يك ساعت نفس می‌زد، ولی يك نفر از این که «طیب الله» خشک و خالی‌ای به او بگوید، ابا داشت! لذا چون می‌فهمیم که «طیب الله» خیلی مؤثر است، خواستیم طیب‌اللهی به آقایان گفته باشیم. علی‌ای حال، نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم، وجود برنامه‌های «بسیار خوب»، بعضاً «خوب» و بعضاً «بسیار خوب» در صدا و سیماست. من چنین برنامه‌هایی را در حدی که فرصت ایجاب می‌کند، هم از صدا و هم در سیما می‌شنوم و مشاهده می‌کنم. البته این برنامه‌ها، غیر از آن دو، سه کار انبوهی است که آقایان در زمینه انتخابات و راهپیماییها کردید. خوب؛ آنها کارهای جداگانه و مستقلاً بود. در زمینه کارهای معمولی و مستمر صدا و سیما، آنی که می‌خواهیم عرض کنیم تحسین و تشکر از برنامه‌های خوبی است که وجود دارد. من دو مطلب را نمی‌خواهم بگویم: یکی این که نمی‌خواهم بگویم هیچ عیب و نقصی در صدا و سیما نیست. چرا؛ انصافاً برنامه‌های معیوب هم زیاد است که قبل از بیان این سخنان، بعضی از مواردش را به آقای لاریجانی یادآور شدم. در صدا و سیما واقعاً برنامه‌هایی معیوب وجود دارد که باید هم اصلاح شود؛ و من خشنودم از این که روز به روز از تعداد معیوبها کاسته می‌شود. بحمدالله روند رو به اصلاح در برنامه‌ها حس می‌شود. با این همه، برخی از عیبها سرچایشان هستند.



مطلب دومی که نمی‌خواهم بگویم، غایت خوبی در برنامه هاست. واقعاً از این خوبتر هم، حتی در آن برنامه‌های خوب، می‌شود کار کرد. بشر موجود بی‌نهایتی است که حدّ و مرزی ندارد. هر چه هم عالی فکر کنید، پیشرفت کارهایی که آفریده انسانیت شماست، نهایت علوّ نیست؛ یعنی عالی‌ای نیست که اعلی‌ از آن وجود نداشته باشد. بالاخره بالاتر از آنی وجود دارد، که باید آن را طلب کرد؛ و همین‌طور انسان در سیر بی‌نهایت حرکت می‌کند. واقعاً وجودی که خدای متعال آفریده، عجیب است. هر چیزی که فرض شود امروز بهتر از آن وجود ندارد، باز بالاتر و بهتر از آن، قطعاً وجود دارد و باید آن را جستجو و طلب کرد. در این مسیر نباید هیچ‌از کار و حرکت باز ایستاد. و اما در زمینه مسائل فنی، موضوعی را که علی‌العجاله مناسب می‌دانم سفارش کنم این است که شما کاری کنید صدای رادیو در درجه اول به همه جای کشور، راحت برسد. این امکان الان وجود ندارد و شما باید آن را تأمین کنید، تا بعداً به امکانات بهتر و فراگیرتری دست بیابید. این در مثل مانند آن است که انسان نان و پنیری فعلاً تأمین کند تا بعد به خوراکیهای مقوی‌تر و بهتر، با مخلفاتش، دست پیدا کند. در زمینه صدای رادیو، درجه اول همین است. البته در گذشته پوشش دهی صدا از این کمتر بود. شاید یک‌دهم پوشش فعلی هم نبود. لکن الان که این همه گسترش پیدا کرده است و کار فنی هم زیاد کرده‌اید - همان‌طور که گفتید و گزارش دادید و حتماً هم همان‌طور است - در عین حال هنوز صدای شما به همه جای کشور، حتی به جاهایی که خیلی هم پشت‌کوه و در دور دست قرار ندارد، نمی‌رسد. این که عرض می‌کنم، مثکی به تجربه شخصی است. در کشور ما مناطقی وجود دارد که صدای شما را به زحمت می‌شود گرفت. به تعبیری دیگر، صدای یک رادیوی ضدانقلاب را خیلی راحت می‌شود پیدا کرد؛ در حالی که فاصله آن رادیو، به مراتب بیشتر از فاصله شما با مناطقی است که به آنها اشاره می‌کنیم! ما هنوز هم از تهران که خارج می‌شویم، در پیچ و خمهای کوههای اطراف، متأسفانه صدای شما را نداریم. با این رادیوهای معمولی در دسترس ما که نمی‌شود گرفت. شاید رادیوهای بهتری هم باشد که بتوان به وسیله آنها، صدا را شنید. ولی به هر حال چنین مشکلی وجود دارد که آن را باید شما حل کنید. این را بایستی درستش کنید. پرداختن به سیمای برون مرزی و خارج از کشور هم برنامه‌های مهمی است. البته الان که ما در این جا با مشکل دریافت صدای رادیوی خودمان مواجهیم، در اروپا و آفریقا، کسانی به وسیله رادیو برون مرزی مان، صدای ما و صدای نماز جمعه ما را می‌شنوند. این هم هست. لکن می‌خواهیم بگوییم محدوده داخل ایران اولویت دارد. باید کاری کرد که هر کس هر جا خواست صدای شما را بشنود، بتواند. یعنی مجبور نباشد به خاطر این که صدای شما را نمی‌شنود رادیوی دیگری را بگیرد و صدای دیگری را گوش کند و بگوید «حالا که می‌خواهیم پای رادیوی خودمان بنشینیم، کیفیت صدایش این طوری است.» حداقل اختیار و تخییری برای او وجود داشته باشد. این هم در زمینه مسائل فنی.

ما البته با آقایان عضو صدا و سیما، حرفهای زیادی داریم؛ یعنی حرفهای مبنایی‌تر و اساسی‌تری هست که مناسب جمع شماست. ان شاءالله در آینده نه چندان دوری، اجتماع خوبی با شما و بقیه برادران و خواهرانی که در صدا و سیما فعالند، خواهیم داشت و اگر خدای متعال عمر و توفیق داد، صحبت خواهیم کرد. الان برای آن کار نیست؛ لذا به آن مباحث نمی‌پردازیم. فقط یک مطلب را - با این که قبلاً هم گفتیم - مجدداً عرض کنیم و صحبت‌مان را تمام کنیم. آن مطلب این است که در فیلمهای ایرانی و نمایشنامه‌های فارسی که از رادیو پخش می‌شود، به یک نکته حتماً توجه کنید؛ ولو برای مدت سه سال طول بکشد و آن را تجربه نمایید. آن نکته که تاکنون هم کسی به آن توجه نداشته این است که فیلم و نمایشنامه ایرانی را از حوادث آشفته‌کننده و برانگیزاننده ذهن و حالت سوهان برای روح، خالی کنید. متأسفانه این کار صورت نمی‌گیرد و نمی‌دانم چرا! با این که مکرراً، هم به جمع آقایان عضو صدا و سیما گفته‌ام و هم به برادرانی که به امور فیلمسازی اشتغال دارند، ولی نمی‌دانم چرا این مسأله مهم رعایت نمی‌شود. یعنی ممکن است عیب و ایرادی در این جا وجود داشته باشد که این کار نمی‌شود؟ فیلم ایرانی را وقتی شما



نگاه می‌کنید مثل این که باید حتماً يك مبالغه در اظهار غصّه، اظهار ناراحتی، اظهار گریه، دعوا و تشنج اعصاب در آن باشد! کأنه بدون این عناصر، فیلم و نمایشنامه ایرانی چیزی کم دارد! من يك وقت در این جا، در مقابل جمعی مثل شما آقایان، مثالی زدم. گفتم مثلاً فرض بفرمایید در تلویزیون ما برنامه ای درست کرده بودند و می‌خواستند بچه‌ها را به بُرس زدن تشویق کنند. ما هم طبق معمول، فیلم بچه‌ها را نگاه می‌کردیم. البته در قالب کارتون، ساختن فیلمهایی این گونه برای بچه‌ها، تشویق خوبی است و تبلیغ خوبی نیز برای رعایت بهداشت موی سر است. ماجرا این طور بود که يك بُرس عروسکی، لحظاتی زار می‌زد و گریه می‌کرد؛ به گونه ای که دل آدم کباب می‌شد. در این حال یکی دیگر از بُرسها به بُرس گریان می‌گفت: «چرا گریه می‌کنی؟» او هم جواب می‌داد که مثلاً «صاحب من، موی سرش را بُرس نمی‌زند!» این قضیه که این قدر گریه نداشت؛ به طوری که دل مستمع را خون کند! لااقل صدای دختر بچه یا پسر بچه ای را که در حال زار زدن روی بُرس گذاشته‌اید، يك لحظه اش بکنید، نه به قدر يك دقیقه و يك دقیقه و نیم! همین طور متصل گریه، گریه، گریه! خوب؛ اعصاب مستمع خرد می‌شود! متأسفانه چنین حالتی در فیلم و کارتون و نمایشنامه ما وجود دارد.

موضوع دیگری که در فیلمهای ما به آن می‌پردازند، پدیده طلاق است؛ و گریه و زاریها در این مقوله هم آزار دهنده است. خوب، آدم به فیلمهای خارجی، از جمله فیلمهای خانوادگی ژاپنی - که فیلمهای خوب ژاپنی است - نگاه می‌کند، می‌بیند در ارتباط با مسائل خانوادگی، آن جا هم از این حرفها هست. ولی این همه گریه و ناراحتی در فیلمها رواج ندارد. نمی‌دانم چرا باید فیلمهای ما این طوری باشند! حتماً عیبی در کار هست. من البته چون به بعضی از جاها و به بعضی از آدمها سوءظنهایی دارم که دیر زایل می‌شود، می‌گویم لابد تعمّدی در کار است. بعضی تعمّد دارند برای این که ذهن و اعصاب مردم را خراب کنند. خوب؛ شما در خانه تان نشسته‌اید. اگر بچه همسایه بنای گریه کردن بگذارد، اعصابتان ناراحت می‌شود. این، امری طبیعی است. لازم نیست بچه خود آدم باشد. تلویزیون هم مثل بچه همسایه است. اعصاب انسان را با دعوا، تشنج و گریه بی خودی خراب می‌کند. بیایید واقعاً برنامه ریزی کنید. هم در کارهای صدا و قصّه‌های شب و بقیه برنامه هایش و هم در کارهای سیمایی. این يك کار اساسی است. این حفظ سلامت اعصاب مردم است. اعصاب آشفته، در محیط کار، در محل کسب، در خیابان و پشت ترافیک، همه جا خودش را نشان خواهد داد. این که يك وقت ما عرض کردیم و حالا هم آقای لاریجانی تکرار کردند، مسأله آرامش بخشی به ذهن مردم، يك بخش عمده اش مربوط به صدا و سیما و فیلمها و نمایشنامه هاست که هنوز تأمین نشده است. البته بعضی از فیلمهای نسبتاً فکاهی و با مایه های طنز، قدری رواج یافته است که عیبی ندارد. خوب است که این کارها انجام گیرد.

امیدواریم که خداوند کمکتان کند و بتوانید این کار بسیار بسیار بزرگی را که بر عهده دارید به بهترین وجه انجام دهید. البته به بهترین وجه ممکن، و إلا بهترین وجه که خیلی بالاست. ان شاءالله که رسالت خود را بتوانید به انجام برسانید؛ و این رسالت هم رسالت يك ملت است؛ رسالت فرهنگی است. شما هم حقیقتاً تنها هستید. حتی الان مطبوعات از صدا و سیما عقب است. در کشور ما مطبوعات که باید عدل صدا و سیما باشد، متأسفانه عقب افتاده است. ما پیشرفت کار و تحرّکی را که در صدا و سیما وجود دارد، مع الاسف در مطبوعات خودمان مشاهده نمی‌کنیم. خلأ آنها را هم شما بایستی تا حدود زیادی جبران کنید. ان شاءالله خداوند به همه شما توفیق عنایت فرماید. والسلام علیکم ورحمةالله.